

ژاله خیز آذربان

پس از درود که بر او مانده و سلام گرم به بر سر "بیخ" خیز
 • رفیق حماد بر فی اسفار ترا آورد که صد تا از آنها را در حب
 گزینش خودشان به «آذربان» سه به دهنی تا مانیزه «دنیا»
 مانیه باصل دهنها ما چاپ خواهم کرد. در مورد اعضاء منظور که
 «ژاله» اعضاء شده عمل میکنم ولی اگر باصل باشی تیران مانده
 گذشته «غریب» گذشته. اما این مورد نظری ندارم و با
 نظری که بهی در انجم.

• پس از رسیدن به محل من بر رفیق آنت گفتیم چه مبلد «ژاله» انجام
 که رفته اند آنچه بر فر بر افسوسات خودی خواسته بوده ارسال
 دارد که ارسال داشت. انزس که در بهت ترمین. اما از
 ارزایی محبت آنیز تو بسیار شادانم. در مورد قیام بر ابرامندان
 فرود آذربان «غایط و غار دار» تا «حق» اقرار: «جسم زبرا»
 آذربان تا معنی «نظر من بهانت که در آنجا از زبان ^{خیز} ایران ترمین
 آنرا داده ام. این برادرش است از برای قفسه در زمان گذشته
 در دهه ۱۳۰۰ تا معنی یا از روزی که در قفس گنج سالیان در آنجا ^{گنج} است
 و خاکش خرد و این یک هم چون کو کپرت به اکت بر فی از دوستان خود
 در ضابطه از قفس قفسه بیرون آمد. با او هم همراهم که اظهار نظر
 آن خواب غریز چون خود شاره ای شیرین سخن و دارد به مسئل
 ای است در نوزدین ارج دارد و اگر روزی دست نه که «گوشهات»
 در «فره» چهارم را آنچه به چاپ کنیم توصیه در او در دهنها در نظر خواهم گرفت.

• نیمی خدای زصت استغفار کنیم در نوروز باستانی در آیین دوستان گرامی
در صمیمیت از قتل خود و همه خانواده از عقبه تا نزه شادمانش
بگیم . ایران در جوش و خروش است در انکلاش از این میان
چاره درم ایران در کلام آنها کاری ساخته شود تا روزی آهنگ نوروز
شود جشن کبوترها با این . روی هم را بپرسم - جبری